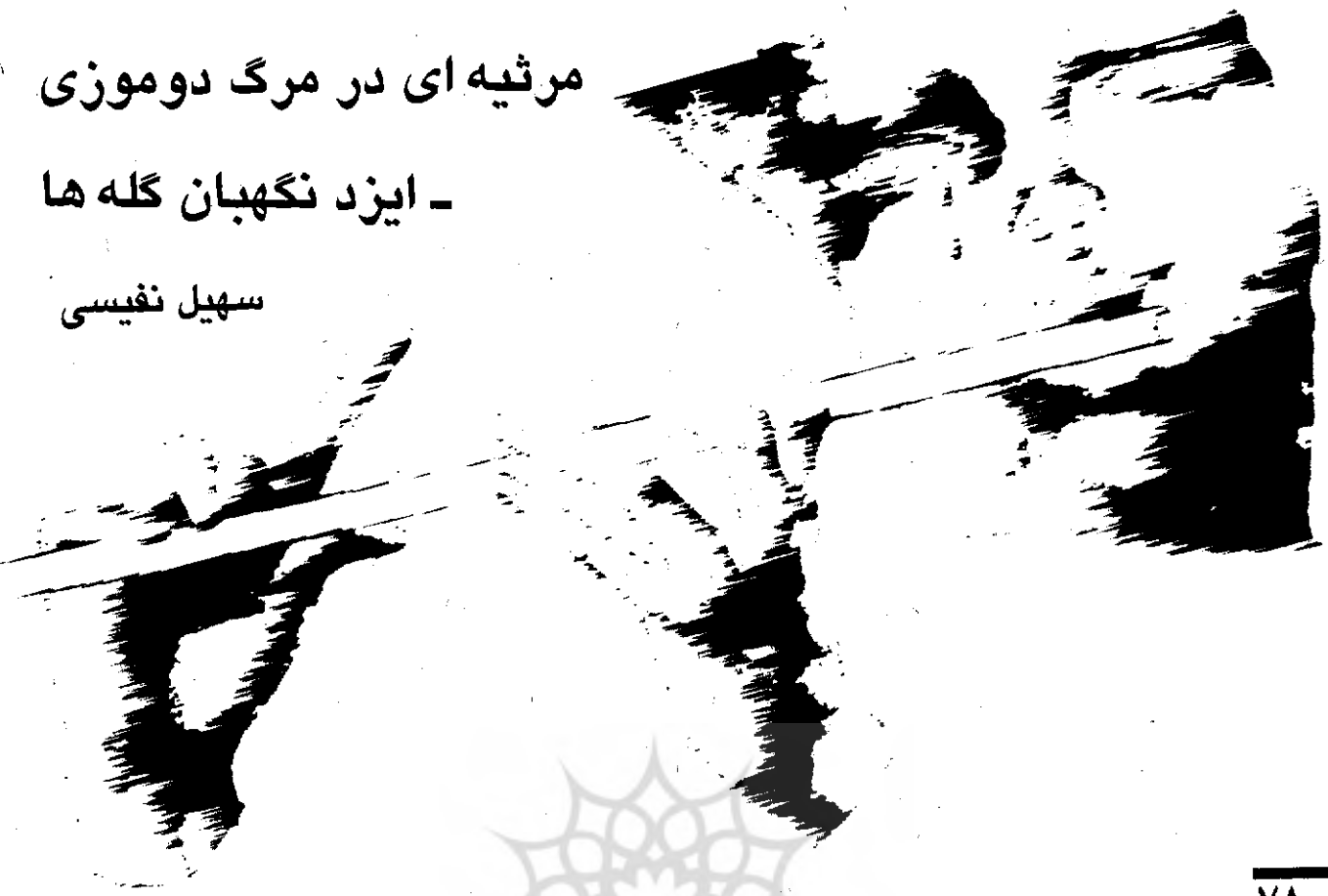


# مرثیه ای در مرگ دوموزی

## - ایزد نگهبان گله ها

سهیل نفیسی



در کوهساران نی لکی بود

که باد می نواختش

آوازی بود

که باد می خواندش

(مرثیه ای در مرگ دوموزی - ایزد نگهبان گله ها)

در هزاره سوم قبل از میلاد، دشت های حاصلخیز بین النهرین، مکان پیدایش تمدن هایی بود که با فرهنگ و هنری بی همتا، مدنیتی سربلند و استوار را در این منطقه پدید آورده بودند.

اصالت افکار، ظرافت هنرهای دستی و خلاقیت اعجاب آور آثار باقی مانده از آنان، به راستی چشمگیر و سحرانگیز جلوه می کند. بسیاری از این آثار، کتیبه ها و نگاره هایی هستند، سروده شده در ستایش نمادهای طبیعت، و یا سالنامه هایی که بر پایه آغاز سلطنت هر پادشاه تنظیم گردیده اند. گذشته از این مجموعه و نوشته هایی که شامل نامه نگاری، حواله و دیگر نوشته های بازرگانی است، بیشتر این کتیبه ها، سروده هایی است پیرامون باورها، آیین های مذهبی، نیایش ها، اسطوره ها و افسانه ها. همچنین است کشف

نمونه هایی از آلات و ادوات موسیقی آنان که نشانگر توجه بسیار این اقوام به هنر موسیقی است.

اما به دلیل آن که متون اصلی، به خط میخی نوشته شده اند، ذکر اسامی دقیق سازهای یافت شده، خالی از اشکال نیست و نقوش برجسته مانده، تنها توصیف گر گوشه هایی از انگیزه های حضور و وجوب ارزشمند موسیقی در آن روزگاران است.

خاستگاه اولیه ی این موسیقی، آمیختگی آن را با آیین پرستش و مراسم معابد نشان می دهد و انگاره های بین النهرین، به ویژه در دوران اولیه ی این تمدن ها، موضوعات موسیقی را غالباً به شکلی مذهبی یا آیینی عنوان می کنند.

چنین برمی آید که بنیاد این موسیقی، شامل گروه نمازخوانان و زبورخوانانی است که با اجرای آیین های روزانه و سروده هایی برای آواز، نخستین شکل های نظم یافته از آیین های مذهبی را ارائه داده اند. مراسمی تحت عنوان اهدای هدایا به خدایان، و راز و نیاز در قالب سروده هایی که به همراه طبل، فلوت، نی

# در کوهساران نی لبکی بود که باد می نواختش و آوازی بود که باد می خواندش

است. از این رو، در مورد سازی همچون طبل، می توان به یکی از باارزش ترین ساختارهای موسیقی، در پرداخت یک اثر هنری اشاره نمود. اسم عامیانه ی طبل در سومر «اوب» (Ub) بوده و کلدانی ها لفظ «اوپو» (Uppu) را برای انواع طبل به کار می برده اند. «Ub- Tur» یا طبل کوچک، بارزترین ساز سومری ها بوده که در معبد «Enki» در «اوریدو» نواخته می شده است. واژه ی طبل به شیوه ی علایم تصویری نشان داده شده و بر طبق شیوه ی علایم نگاری، در هزاره ی سوم قبل از میلاد، این ساز شبیه ساعت شنی، سازی دوسویه بوده است که به وسیله ی تسمه ای، بر گردن طبال آویخته شده و با دست می نواخته اند. در میان سومری ها، نواختن طبل بی گمان با قدرت های آسمانی در رابطه بوده و در مراتب مکاشفه و گفت و گو با خدایان، طبل و نواختن آن، از اهمیت به سزایی برخوردار بوده است.

طبل «بلغ» از قدیمی ترین انواع طبل شناخته می شود که سروده های معبد و خوانندگان را همراهی می کرده است. چنان که روایت می کنند: «بلغ، آواز را کامل می کرده و سبب می شده تا آواز خواننده و همسرایان، موجب تسکین اندوه گشته و یا اینکه آه و سوز دل را نرم گردانند. چنان که وقتی در یک ضرب آهنگ جمعی و شادی بخش، صدای آن شنیده می شد، می توانست مردان شهر را آرام کرده و آنان را به تعالی سوق دهد.»

طبل بلغ از اهمیت شایانی برخوردار بود و صدای پررمز و راز بر خاسته از آن، سومریان را بر آن داشته بود تا با کوبیدن آن، خویشان را با عقاید الوهیت ارتباط دهند. «بلغ صدای فرمانروای بزرگ زمین (اوشوماکا کلاما) بوده است که با صدایی شاد سخن می گفته و به آتانی که طالب آگاهی بودند، پند و اندرز می داده.» و بدین ترتیب، صدای طبل، در نزد تمدن های اولیه، همانند غرش رعد، نمادی از اعجاب زمان و قدرت بیان افکاری انتزاعی، همچون سوگواری و آیین های آنان بوده است.

از دیگر سازهای ضربی «آد-دا-پا»، از اولین نمونه های دایره زنگی است، که در میان سومری ها و در معابد، برای همراهی با بعضی سروده ها و اوراد، مورد استفاده قرار می گرفت. این ساز نه تنها برای سرودهای روحانی، نیایش و سوگواری، که در

مضاعف، بریظ و قانون همراهی می شده اند.

در روزگاران اولیه، ثبت وقایع تاریخی به طور گسترده ای، زیر نظر کاهنان بوده است و در کشف نمونه هایی از موسیقی معابد، مدارك زیادی از لوح ها بدست آمده که محتوای آنها به طور ضمنی نحوه ی اجرای مراسم مذهبی و تشریفات آن را نشان می دهد. اما چنان که گفته شد، نقوش برجا مانده، تنها روایتگر بعضی مفاهیم و گوشه هایی از تمدن اولیه، در میان اقوامی همچون سومریان و آشوریان و ... می باشند و بنابراین با وجود تمامی دلایل و مدارك در باب پیشینه ی این اقوام، تصویر گذشته ی آنان کامل نیست و تنها، حدس و گمان است که رویایی دور و افسانه وار به دور این تمدن ها کشانده، وای بسا که بنیان گزاراران این تمدن های شگفت انگیز و بزرگ، بسیار دورتر از زمانی که پژوهشگران گمان می بردند، می زیسته اند.

نکته قابل ملاحظه ی دیگر در چگونگی شکل گیری موسیقی در تاریخ تمدن های اولیه، تقدم عبارت ریتم یا ریتمیک، بر هنر ثنالی یا صدا و ملودی

می شود که به موسم بهار، شبانان، در پی چراگاهی سرسبز و مناسب برای گله هاشان، سروده ای در توصیف ایزد گله ها می خوانده اند. «تموز» ایزد گله ها، و «گشتین آئه» نام خواهر اوست. این بخش از سروده ی شبانان خطاب به گشتین آئه خوانده شده:

«خواهر خوش آهنگم  
خواهر تموز

راهبان رمه های گمشده

بر آغل بنشین

با غزلی و چنگی

میش را بدوش

بزغالکان را سیراب کن

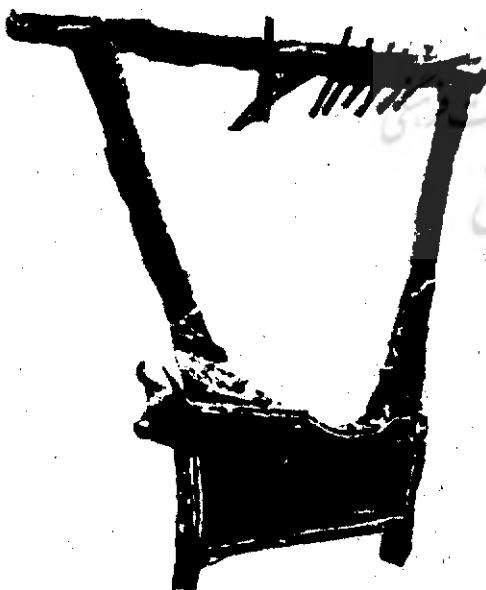
جامی از شیر برگیر

و

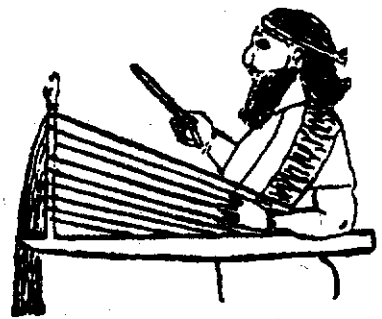
آوازی بخوان

با غزلی و چنگی»

تأثیرپذیری این نواحی که در اثر مبادلات و تجارت ها پیش آمده بود، از دیگر نکاتی است که به زنجیره مرتبط، در خلق آثار هنری، در میان این اقوام اشاره می کند. به طور مثال: بریط که در سومر بسیار عمومیت داشته، آن را با منطقه غرب بین النهرین پیوند می دهد و چنگ کمانی، نشان دهنده ی رابطه ای نزدیک با سازی مشابه در منطقه ی شرق و شمال شرق سرزمین سومریان است.



از میان سه ساز عمده در آن دوران، چنگ، طبل و فلوت آسیایی است و ریشه های آنان در شرق ایران، هند، مغولستان و تبت، قابل ردیابی می باشد.



موسیقی نظامی نیز در کنار سایر ادوات موسیقی به چشم می خورد، زنگوله یا «سیستروم» از قابل توجه ترین سازها در طبقه بندی آلات اتوفونیک (سازهای کوبه ای) می باشد.

در مورد این ساز چنین به نظر می رسد که مصر، سرزمین اولیه ی آن بوده است و چنانچه این ساز ریشه در مصر باستان داشته باشد، زمان پیدایش آن به دوران پیش از تاریخ باز می گردد. همچنین از مدارك به دست آمده، چنین برداشت می شود که سیستروم برای دور ساختن ارواح پلید، به هنگام پرستش «آیزیس» به کار می رفته است.

«مولیل خفته است

من تنها مانده ام

در شبانه های موهوم

از ماهتاب دور افتاده ام

و آواره

بر فراز کوه،

تنهایی ام را

آواز می کنم

در انبوه

درختان سدر،

مولیل خفته است

بر فراز کوه،

ماه تابیدن آغاز می کند

من تنها مانده ام»

متن فوق، مرثیه ای است در رشای ایزد بانوی غلات و ویرانی پرستشگاه او. مولیل، ایزد بانوی سومری و ایزد غلات است و همسر «ال لیل» آکدی، ایزد سرنوشت و تقدیر آکدیان. سادگی این سروده ها، نشان از سادگی زندگی در میان مردمان نخستین است. از این دسته آوازه ها که غالباً به شکل ترانه و در ساختاری مردمی قرار گرفته اند، به نمونه های دیگری نیز می توان اشاره داشت. در یکی از متون به دست آمده، روایت

## «چونان نی لیلک»

شبهانی،

من نیز

غم آلوده ام.

دل من،

نی آی مرثیه خوان است.»



بوق ها و شیپورها، از دیگر سازهای بادی در تمدن های اولیه شناخته می شوند. نام بوق، به معنی «بُف کردن» و «دمیدان» و یا «غرش کردن» است. قدرت اسرار آمیز صدای بوق، وسیله ای بوده برای بیرون راندن شیاطین و فراری دادن دشمنان. در یک نقش برجسته متعلق به دوران سناخریب (۶۸۵-۷۰۱ قبل از میلاد) این ساز به هنگام تلاش بردگان برای بیرون کشیدن گاو نر عظیم الجثه ای، از درون یک گودال، نشان داده شده که در آن می دمیده اند. در یک لوح باستانی سومری، روش ساختن این ساز شرح داده می شود و نمونه ی بسیار زیبایی از این ساز با شکلی کشیده و بلند، متعلق به قرن چهاردهم یا پانزدهم قبل از میلاد است که بر روی آن نیز به طرز بسیار ظریفی حکاکی گشته است. جنس آن نقره و قسمت دهانی آن نیز از طلا می باشد.

«کوبر از اشک مادران

سیلاب می کند

و ظنین گریه هاشان

مویه سر می دهد:

آن که رفت،

گل خود روی نبود

تا باز غنچه برویاند

آب نیست که با باران

فرو بارد

علفزار نبود

سبزه ی نورسته ای نیست

تا باز به بیابان نشیند.»

(از مرثیه ای بلند برای ایزد دمو، ایزد شفادهی) سرودها، مرثیه ها و آثار حماسی، که سومریان پدید آورده اند، در میان دیگر ساکنین دشت های بین النهرین، از ارزش و اهمیت خاصی برخوردارند. سرودهای بابلی هرچند تحت تأثیر و نفوذ ادبیات سومری و آشوری قرار گرفته بود، اما نقش انتقال دهنده ی میراث این دو تمدن را به جهان پس از

فلوت نیز برای نخستین بار، در نواحی غرب یا مرکز و شرق آسیا متداول شده و حضور خود را تا سواحل اقیانوس آرام رسانیده است.

در گسترش هنر موسیقی این ادوار، گام های ۵ نتی و ۷ نتی دارای اهمیت بسیاری می باشند. تصور می شود اولین گامی که توسط بشر شکل گرفته (بنا بر منابع موجود)، گام ۵ نتی (پنتاتونیک) بوده است. البته در کنار این فرضیه، گام ۷ نتی (هپتاتونیک) نیز به طور وسیعی در میان این اقوام قابل شناسایی است. همچنین اشاره می شود که گام پنتاتونیک مختص صدای انسانی بوده است و سازی با نام «ایمین-ا» یا ۷ نتی از واژه ی سومری E به معنی صدا، فلوتی بوده است یا ۷ نت که توسط کاهنان مصری، در ستایش خدایان نواخته می شده است. در بین النهرین این ساز «تی-قی» نامیده می شد که در مراسم آیینی معبد بسیار مورد احترام بوده است. در نیمه ی دوم هزاره ی سوم قبل از میلاد، راجع به این ساز چنین گفته می شود: «در فراگیری نی (تی-قی) بکوشید و حیاط معبدان را با ظنین اش آکنده از شادی گردانید».

از منابع به دست آمده درباره ی نی لیلک، چنین به نظر می رسد که لحن پرسوز نی، بیشتر از جنبه ی معنایی آن مورد توجه بوده است. «قی-ار-رع» و «نبو» به معنی استغاثه و «انابابو-کان» و «بی-کی-تی» به معنای زبانه ی شیون برانگیز، از دیگر نام هایی است که بدان داده شده است. در سرودی غمبار از تمدن سومری گفته می شود که:

همان اندازه، در زندگی خصوصی مردم نیز شرکت داشته و در همراهی سروده‌های نیایش، سرود پیروزی و حماسه خوانی و آوازهای عاشقانه، مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. در افسون‌ها و جادوها نیز سازهای زهی، با باورهای مردمی درآمیخته است. حضور سازهای زهی در مرثیه خوانی، استنباطی است از لوح نوشته‌ای که سال‌های طلایی دوران «قودآ» را توصیف می‌کند:

«آن زمانی که غم

ناشناخته بود

نه هیچ گورستانی

و نه هیچ بریطی در معبد،

به حزن و فراق بانگ برنمی‌آورد»

بهره بردن از یک ساز زهی، با کاسه‌ای کوچک و دسته‌ای بلند، که بعدها LU، تار، عود، بریط و ... نام گرفت، بی‌تردید از کمان‌های شکاری، در ادوار پیش از تاریخ، به عنوان ابتدایی‌ترین وسیله‌ی تولید صدا، برگرفته شده بود که بدان «کمان» می‌گفته‌اند. اختراع این ساز را به آشوری نسبت می‌دهند و عموماً در دست‌های روستاییان، هنگام رقص و پانتومیم نشان

خود ایفا کرده است. بخشی از این سروده‌ها به برپایی آیین‌های سحر و شفادهی باز می‌گردد و همچنین مرثیه‌هایی عامیانه که با مضمون فراق و هجران خوانده شده‌اند. نوشته‌های دیگری مشتمل بر سروده‌هایی برای ایزدان «رَح»، «اُزیزیس»، مناجات‌ها و شماری از افسانه‌ها و حکایات، از سایر منابع به دست آمده که از آن دوران است.

رشد استعدادها، خلاقیت و تمایلات هنری در موسیقی، به زمان پیدایش سازهای زهی نسبت داده می‌شود. چرا که بشر در این مرحله قادر گردیده تا با بهره‌گیری از اصواتی موزون و ساخت ملودی، زیبایی و غنای اثر را به شکلی رساتر جلوه گرد سازد.

چنگ یا «AL» از قدیمی‌ترین انواع سازهای زهی بوده است. «AL» به معنی صدا یا موسیقی است و پیدایش آن را به «انلیل» نسبت داده‌اند. این ساز روزها در معبد با کلمات آسمانی آوازها همراه می‌شده و شب‌ها سروده‌های دنیوی همسرایان را آهنگین می‌ساخته است. سازهای زهی نه تنها به عنوان وسیله‌ای در خدمت معبد و جشن‌های سلطنتی، بلکه به



«قانون» به عنوان یکی دیگر از سازهای زهی، در روزگار آشوری‌ها به خوبی شناخته شده بود. در لوحی که به عاج مزین است (قرن نهم ق.م)، حرکت جمعی نوازندگانی تصویر شده که نی مضاعف، بریط و دو ساز مستطیل شکل، که به نظر می‌رسند نوعی قانون باشند، به همراه دارند و آن سازی است که در آن سیم‌هایی از فلز یا از جنس روده، بر روی کاسه کشیده شده و تعداد زه‌ها، احتمالاً به ۸ سیم می‌رسد. زمان پیدایش این ساز، در ادوار اولیه مشخص نیست و در عین حال اسناد و منابع به دست آمده، گواه بر قدمت و دیرینگی این ساز داشته‌اند. در چین «Kin» و «Tech» دو نوع از قانون بوده‌اند که زمان آن را به ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد باز می‌گرداند.

«معبد آکنده از شادی است

دور کنید تیرگی را

افسرده‌گی از دل‌ها بزداید

با قامتی

چونان گوزنی بر فراز قلعه‌ها،

با احسانی

مهرانگیز،

بردبارانه

اشک را از گوشه‌ی چشم پاک کنید.»

(از لوحی مربوط به تمدن آشور، در ستایش موسیقی و آواز) به راستی در آن روزگار، موسیقی چگونه بوده است و یا اینکه چه تعریفی می‌توان از غنای آلات و ادوات به دست آمده ارایه داد. چنانچه در فرهنگ پیشرفته‌ی قومی همچون سومر نظر کنیم، به یقین نمی‌توانیم به نعمه‌هایی مغشوش و نامستابین بیندیشیم، چرا که فرهنگ قومی همچون سومر، با آن همه آگاهی و آمیختگی با هنر، نه تنها در مقابل فرسایش‌های چندین هزار ساله، بلکه برای تمدن بشری، توشه‌ای از هنر و دانش به یادگار می‌گذارد که تا به امروز بر بسیاری از ساختارهای اجتماعی بشر تأثیر گذار بوده‌اند.

«تب و لرز

هذیانی مودی

مرکب مرگ

ناله و مویه

و زهر تلخ باد

بر فراز بام‌های بلند

آواز شهبانه‌اش را تکرار می‌کند:

پسران دلیند

فرزندان زمین»

(سرودی برای دفع بیماری ناشی از تسخیر دیو‌بادهای مرگ) تاریخ تمدن‌های اولیه، با حکمرانی اقوام و سلاطین ماد و پارس، تا ۳۳۱ قبل از میلاد ادامه یافت و با حمله‌ی اسکندر مقدونی سرگذشت موسیقی و سایر هنرها، که آن زمان در کمال خود جای گرفته بودند، به پایان رسید.

تاکنون نظر بر این بوده است که یونانی‌ها، نخستین قومی بوده‌اند که با استفاده از حروف الفبا در ابداع شیوه‌ی نگارش موسیقی کوشیده‌اند و این در حالی است که هندوان، پیش از این به نگارش اصوات دست یافته و در ایران نیز از اعداد برای این منظور استفاده می‌شده است. بدین ترتیب نخستین شیوه‌های نگارشی که تاکنون شناخته شده، بر اساس خطوط الفبایی بوده‌اند و چنین به نظر می‌رسد که در بین النهرین، کاتبان موسیقی، که غالباً کاهنان معابد بوده‌اند، صدای سیلابیک را به صورت آکروفون (صدای حرف اول کلماتی که معرف خود می‌باشند) و تعداد مشخصی از علائم حرفی را با محدوده‌ی ساز مورد نظر تطبیق داده‌اند.

با این همه شناسایی شخصیت موسیقی و آوازهای این اقوام، همچنان دشوار می‌نماید؛ چرا که منابع به دست آمده، چه از نظر شناخت گام و چه از نظر نحوه نگارش موسیقی با طرز تفکر امروزی، اختلاف بنیادین دارند. پژوهشگران و موسیقی‌شناسان امروز، گام‌ها و موارد استفاده‌ی آنها را در نزد تمدن‌های اولیه، با گام‌های موسیقی لیدین هیولیدین، در یونان باستان مقایسه می‌کنند که غنای آن با احساسات مذهبی و ظرافت‌های حساس انسانی درهم آمیخته است.

#### ■ منابع:

- ۱- کهن‌ترین سروده‌ها، یاکوبسن، سر کلید و ویلسن جان‌ای.
- ۲- گالپین، فرانسیس ویلیام، موسیقی بین النهرین، ترجمه: محسن الهامیان، دانشگاه هنر، ۱۳۷۶.
- ۳- واژه‌نامه موسیقی ایران زمین، مهدی ستایشگر، انتشارات اطلاعات.
- ۴- فرهنگ تفسیری موسیقی، بهروز وجدانی.